

باسمه تعالی

- ۱ مورد دوم: خبر فاسق
- ۲ اشکال:
- ۲ دو جواب وجود دارد:
- ۲ اول
- ۲ جواب دوم
- ۳ مورد سوم: خبر متهم در خبرش

موضوع: حجج و امارات / مبحث امارات / اماره پنجم: خبر واحد / تحدید دائره حجیت خبر واحد

مویّد عدم حجّیت خبر مجهول در سیره عقلاء این کلام ابن الغضائری در مورد سهل بن زیاد است: و كان احمد بن محمد بن عیسی الاشعری اخرجہ من القم... بجهة انه یروی المراسیل و یعتمد علی المجاہیل. این اعتماد بر مجهول قدحی بوده که موجب اخراج از شهر شده، لذا نشان می‌دهد ارتکازی وجود داشته که به خبر مجهول نمی‌شود اعتماد نمود. رجال الغضائری، ترجمه ۶۵.

مورد دوم: خبر فاسق

مراد از خبر فاسق، خبر ثقه فاسق است. توضیح اینکه فاسق در معنای عرفی و لغوی کسی است که به التزامات دینی عمل نکند (مسلمان یا غیرمسلمان). در اصطلاح فقهاء، فاسق در مقابل عادل است و به معنی منحرف است در عقیده یا عمل. منحرف در عقیده یعنی اعتقاد شیعه اثنی عشری را نداشته باشد، و منحرف در عمل یعنی هرچند شیعه است اما تجری کند یا با تکلیف منجز مخالفت نماید. به عنوان مثال ثقه خبر از نجاست آبی داده و او شرب می‌کند، درحالیکه در واقع طاهر است. و یا اینکه عاصی باشد که خمری را شرب نماید که واقعاً خمر است.

پس فاسق کسی است که از جاده شرع انحراف عملی یا اعتقادی دارد. اگر شخص ثقه، فاسق باشد؛ خبرش حجّت است؟ اشکالی نیست که در سیره عقلاء تفاوتی بین عادل و فاسق نیست. عقلاء نظری به اعتقاد و یا انحراف اعتقادی و عملی افراد ندارند، و فقط باید ثقه باشد. مویّد اینکه مرحوم شیخ از فقهاء نقل فرموده انهم یعملون جیلاً بعد جیلٍ باخبار الثقات المنحرفین و

الفاسقی المذهب. همچنین روایت ثقة عادل وجود دارد که عمل به خبر ثقة کافی است مانند صحیحہ اسحاق «العمری و ابنه ثقتان، فما ادباً الیک فعنی یؤدیان... فأنهما الثقتان المأمونتان» تعلیل شده که آنها ثقة هستند، پس دلالت دارد معیار و ضابطه اعتبار همان وثاقت است. ج ۲، ص ۱۳۸، حدیث ۴.

اشکال:

اشکالی مطرح شده که باید حل شود. منطوق آیه نبأ دلالت بر تبیین و تحقیق از خبر فاسق دارد. مدلول عرفی التزامی وجوب تحقیق، این است که خبر فاسق حجّت نیست. ولو آیه مفهوم نداشته باشد، منطوق آن دلالت بر عدم حجّیت خبر فاسق دارد. پس سیره توسط آیه شریفه ردع شده، و روایات نیز توسط آیه تخصیص می خورد. ماده اجتماع خبر ثقة فاسق است که آیه دلالت بر عدم حجّیت آن داشته و روایت دلالت بر حجّیت آن دارد. سند کتاب قطعی است، لذا در تعارض عموم و خصوص من وجه، مقدم می شود. اگر هم قبول نشود، در ماده اجتماع تعارض و تساقط کرده و دلیلی بر اعتبار خبر ثقة فاسق نخواهد بود.

دو جواب وجود دارد:

اول

اینکه فسق در آیه به معنای فسق خبری باشد نه فسق اعتقادی و عملی. فسق خبری یعنی کسی که در خبر از کذب متجنّب نیست در مقابل عدل خبری که به معنای اجتناب از کذب در خبر است. این معنی به مناسبت حکم و موضوع است، یعنی تناسبی بین فسق عملی و حجّیت خبر نیست؛ شاهد اینکه در سیره عقلاء بحثی از فسق در اعتقاد و عمل نیست. در شاهد نیز مراد عدل خبری است بر خلاف نظر مشهور که عدل در مقابل فسق اعتقادی و عملی است. با این نظر مشهور مشکلاتی بسیاری وجود دارد، زیرا فرد عادل کم پیدا می شود. برخی بزرگان مانند شهید صدر نیز قبول کرده اند آیه ناظر به فسق خبری است. فسق اعتقادی و عملی ربطی به خبر ندارد.

جواب دوم

اینکه با تسلّم اینکه مراد همان فسق اعتقادی و عملی است نه خصوص فسق خبری بلکه اعم است. یعنی متجرّی یا عاصی باشد و یا مؤمن نباشد (فسق اعتقادی). با این فرض، در آیه شریفه تعلیلی وارد شده که مبدا با قومی از روی جهالت بر خورد کنید. جهالت به معنای عدم علم نیست بلکه به معنای نادانی و سفاهت است. این جاء کم فاسق معلّل شده به آن تصیبوا قوماً بجهالة، که اگر اعتماد به خبر ثقة فاسق شود، سفاهتی نیست زیرا فرض شده نزد عقلاء حجّت است. تعلیلی که در ذیل آمده، مانع انعقاد اطلاق صدر است و شامل نبأ ثقة فاسق نیست. فاسق کسی است که اعتقاداً و یا عملاً منحرف باشد، اما به وسیله ذیل، تقیید

می‌شود به فاسق غیر ثقه. در بین متأخرین خلافی نیست که خبر ثقه فاسق نیز حجّت است. یعنی ملاک خبر عادل نیست بلکه خبر ثقه است.

مورد سوم: خبر متهم در خبرش

خبر ثقه‌ای که متهم در خبرش است، حجّت است؟ توضیح اینکه یک کذب خبری هست و یک کذب مخبری. کذب مخبری در جایی است که اخبار خلاف واقع داده شده و مخبر هم می‌داند که خلاف واقع است. پس هم باید خبر خلاف باشد و هم باید مخبر بداند. اگر خبری خلاف واقع نباشد و مخبر آن را دروغ بداند، در این صورت گفته نمی‌شود دروغ گفته بلکه گفته می‌شود خلاف واقع گفته است. همچنین اگر خودش نداند خلاف واقع است، کذب نگفته است. کذب خبری فقط یک ملاک دارد که مخالف واقع باشد.

شخص ثقه خبری داده که قرائن ظنی بر کذب خبر هست (اگر قرائن ظنی بر کذب مخبر باشد، وثاقت محرز نخواهد بود). یعنی احتمال داده میشود که مخبر دچار غفلت و اشتباه شده لذا خبرش خلاف واقع است. چنین خبری حجّت است؟ فقهاء مواردی در فقه برای این مورد ذکر کرده‌اند. به عنوان مثال قول زن در اموری مسموع است مثلاً اگر بگوید در ایام حیض نیستم قولش مسموع است. یا برای ازدواج مردی با زنی، قول زن که شوهر ندارم و خلیه هستم، مسموع است. یا در ایام حیض قول وی مسموع است یا حمل دارم یا ندارم و در تمام این موارد قول وی مسموع است. یک مورد استثناء شده که زن در معرض تهمت باشد. سه موقف فقهاء دارند: حجّت است؛ حجّت نیست؛ برخی نیز احتیاط کرده و فتوا نداده‌اند.